

گزارش

ایران و متحانش از لغو قطع‌نامه‌های تحریمی می‌گویند

و اروپایی‌ها از اجرای مجدد آنها

پایان پرمخاطره قطع‌نامه ۲۲۳۱

در روزهایی که شاهد احیای قطع‌نامه‌های بین‌المللی علیه ایران ذیل اجرای مکانیسم ماشه هستیم، وزیر خارجه ایران معتقد است «قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت در روز ۲۶ مهر به صورت خودکار خاتمه می‌یابد و در نتیجه، موضوع ایران از دستور کار شورای امنیت خارج می‌شود». روسیه نیز در بیانیه‌ای از مواضع عراقچی حمایت کرده است، اما در عمل از امروز شاهد بازگشت تحریم‌ها و محدودیت‌های تعلیق‌شده از زمان امضای برجام خواهیم بود. سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در گفت‌وگویی از کامپالا، پایتخت اوگاندا، محل برگزاری نوزدهمین اجلاس وزرای خارجه کشورهای عضو جنبش عدم تعهد، گفته است: «در این اجلاس، حملات رژیم صهیونیستی به جمهوری اسلامی ایران در شدیدترین وجه ممکن محکوم شد. این محکومیت هم در بیانیه و هم در سند مفصل نهایی در دو پاراگراف جداگانه آمده است. همچنین حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران به‌طور مستقل مورد محکومیت قرار گرفته و حمایت و همبستگی کشورهای عضو با مردم ایران در برابر این تهاجمات اعلام شده است.» عراقچی مهم‌ترین بخش اجلاس را موضع جنبش عدم تعهد در قبال موضوع «اسنپ‌یک» دانست و گفت: «جنبش در بیانیه خود تأکید کرده که اقدام سه کشور اروپایی در فعال‌سازی سازوکار موسوم به اسنپ‌یک غیرقانونی است و از نظر ۱۲۱ کشور عضو این جنبش، چنین سازوکاری اتفاق نیفتاده؛ بنابراین، قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت همچنان پابرجا بوده و قطع‌نامه‌ها و تحریم‌های گذشته بازنگشته است.» او تصریح کرد: «براساس مفاد قطع‌نامه ۲۲۳۱، این قطع‌نامه در تاریخ ۲۶ مهرماه به صورت خودکار خاتمه می‌یابد و در نتیجه، موضوع ایران از دستور کار شورای امنیت خارج می‌شود. این موضع نه‌تنها موضع جمهوری اسلامی ایران بلکه موضع روسیه، چین و چند عضو دیگر شورای امنیت نیز هست.» عراقچی در پایان اعلام کرد که نامه‌ای رسمی به رئیس شورای امنیت ارسال کرده و در آن مواضع جمهوری اسلامی ایران را مجدداً تکرار کرده است. او تأکید کرد: «اکنون با حمایت ۱۲۱ کشور عضو جنبش عدم تعهد از موضع ایران، می‌توان گفت این اجلاس دستاوردی بزرگ برای جمهوری اسلامی ایران در عرصه دیپلماسی چندجانبه بوده است.

تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران پس از پایان اعتبار قطع‌نامه ۲۲۳۱ دیگر قانونی نیست

در همین زمینه، وزارت امور خارجه روسیه با انتقاد از بدعهدی آمریکا و تروئیکای اروپا در توافق هسته‌ای، تأکید کرد با پایان اعتبار قطع‌نامه ۲۲۳۱ که سند قانونی این توافق بود، اعمال سازوکارهای تحریمی مقرر در این قطع‌نامه فاقد وجاهت قانونی خواهد بود و از این پس، برنامه هسته‌ای ایران تنها طبق توافق جامع پادمانی ایران با آژانس بررسی خواهد شد. وزارت امور خارجه روسیه در بیانیه‌ای درباره پایان اعتبار قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل در ۱۸ اکتبر (۲۶ مهر) که تأییدکننده قانونی توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ بود، نوشت: در این مرحله، همه مفاد قطع‌نامه ۲۲۳۱، ازجمله محدودیت‌ها و رویه‌های مندرج در آن، باید خاتمه یابد. شورای امنیت ملل متحد موظف است بررسی مسائل مربوط به برنامه هسته‌ای ایران را تکمیل کند. موضوع «منع اشاعه» باید از فهرست مسائل تحت بررسی شورای امنیت سازمان ملل حذف شود. در این بیانیه که در وبگاه وزارت امور خارجه روسیه منتشر شده است، مطرح شد: با توجه به اینکه این تغییرات پیش‌تر در زمان پایان مذاکرات برجام توافق شده بود و در قطع‌نامه شورای امنیت سازمان ملل که آن را تأیید کرد نیز مقرر شد، همچنین در فرمان رئیس جمهور فرادسیون روسیه در ۱۱ مارس ۲۰۱۶ با عنوان «درمورد اقدامات برای اجرای قطع‌نامه شماره ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل مورخ ۲۰ جولای ۲۰۱۵» در نظر گرفته شده‌اند که همه مفاد آن به‌طور دقیق تا زمان انقضای مهلت تعیین‌شده معتبر باقی می‌مانند. وزارت امور خارجه روسیه بیان کرد: توسعه آتی همکاری روسیه و ایران در زمینه‌های مختلف با رعایت دقیق مقررات ملی و تعهدات بین‌المللی ما انجام خواهد شد. بنیان مستحکم در این راستا، «پیمان مشارکت راهبردی جامع بین فرادسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران» است که در دوم اکتبر ۲۰۲۵ لازم‌الاجرا شد و در ژانویه ۲۰۲۵ در مسکو در بالاترین سطح امضا شد. مسکو با اقتدار از رویکرد مشترک غربی توافق هسته‌ای بیان کرد: ما خاطرشان می‌کنیم که تلاش‌های خدش‌ناپذیر اعضای اروپایی برای برسر بازگرداندن قطع‌نامه‌های تحریمی شورای امنیت علیه ایران که در چارچوب اجرای قطع‌نامه ۲۲۳۱ لغو شده بودند، با شکست مواجه شده است. با وجود ادعاهای مداوم اما بی‌اساس آنها برخلاف این موضوع، فرایند اعمال مجدد محدودیت‌های تحریمی قبلی علیه ایران را نمی‌توان به دلیل جدیت تخلفات اساسی بریتانیا، آلمان و فرانسه از قطع‌نامه ۲۲۳۱، همچنین پایبندی‌نداشتن کامل آنها به رویه‌های تعیین‌شده که دقیقاً برای جلوگیری از دستکاری طراحی شده بودند، موفقیت‌آمیز دانست. این بیانیه می‌افزاید: اروپایی‌ها تصمیم گرفته‌اند همه موانع پیش‌روی مسیر ستیزه‌جویانه خود را بی‌مقدمه کنار بزنند. با این حال، طبق حقوق بین‌الملل، طرفی که به‌طور سازمان‌یافته یک توافق را نقض می‌کند، نمی‌تواند از سازوکارها و مزایای مقررشده در آن بهره‌مند شود. اقدامات فاقد صلاحیت حقوقی و روندی اروپایی‌ها که با فرصت‌طلبی توسط آمریکا که مدت‌ها پیش خروج خود از برجام را اعلام کرد، همچنین متأسفانه توسط دیرخانه سازمان ملل در موضوع تغییر نکرده است، بیان کرد: ما تأکید می‌کنیم که شورای امنیت سازمان ملل هیچ تصمیمی مبنی بر اختیاردادن به دبیرخانه سازمان ملل برای اتخاذ نتیجه‌گیری مستقل در مورد بازگرداندن تحریم‌ها علیه ایران تصویب نکرده است. این موضوع منحصر در حیطه صلاحیت شورای امنیت سازمان ملل قرار دارد. ما از دبیرکل سازمان ملل خواسته‌ایم بلافاصله اطلاعات نادرستی را که در وبگاه سازمان ملل درباره فرایند ادعایی بازگرداندن قطع‌نامه‌های منسوخ درباره ایران به شکل خودسرانه منتشر شده، پس بگیرد؛ به‌ویژه آنکه در شرایط فعلی، این قطع‌نامه‌ها فاقد اهداف توافق‌شده، تاریخ انقضا و سازوکار لغو هستند. این بیانیه می‌افزاید: ناتوانی ریاست سازمان ملل از اصلاح این اشتباه سهوی دبیرخانه سازمان ملل به معنای آن خواهد بود که دبیرکل و کارکنان دبیرخانه عمداً ماده ۱۰۰ منشور سازمان ملل را نقض می‌کنند. هدف برجام، لغو جامع تمام تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل، همچنین تحریم‌های چندجانبه و ملی مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران بود. اکنون این مسیر برای سازمان ملل به پایان رسیده است، محدودیت‌هایی که با دورزدن شورای امنیت سازمان ملل وضع شده‌اند، غیرقانونی هستند. در بخش پایانی این قطع‌نامه آمده است: ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ تاریخ پایان تعیین‌شده برای قطع‌نامه ۲۲۳۱ در نظر گرفته می‌شود و هیچ تصمیمی برای لغو آن اتخاذ نشده است. ابتکار روسیه و چین برای تمدید فنی برجام به مدت شش ماه با تکبر ورزیدن غرب رد شد که یک بار دیگر ناتوانی خود در توافق را با تکیه بر روش‌های فراقانونی و زورگویی محض نشان داد. نظارت هسته‌ای در ایران اکنون منحصر براساس NPT و «توافق‌نامه جامع پادمانی ایران و آژانس» انجام می‌شود. طرف روسی همچنان قاطعانه متعهد به حل‌وفصل سیاسی و دیپلماتیک برنامه هسته‌ای ایران است و از تمام طرف‌های ذریط می‌خواهد تلاش‌های خود را بر یافتن راهکارهای لازم برای جلوگیری از تشدید تازه و کنترل‌نشده تنش‌ها متمرکز کنند که پیامدهای شدیدی برای امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد داشت. ما حاضریم به هر طریق ممکن این امر را تسهیل کنیم.

مهدی بازرگان: در روزهای اخیر، موج تازه‌ای از حملات سیاسی، رسانه‌ای و حتی دیپلماتیک علیه حسن روحانی و محمدجواد ظریف به جریان افتاده است. هرچند اظهارنظرهای اخیر این دو چهره نیز به تأثیر در برانگیختن واکنش‌ها نبوده، اما شواهد نشان می‌دهد با پدیده‌ای فراتر از یک جدال مقطعی روبه‌رو هستیم. این بار، آنچه رخ می‌دهد، به نظر می‌رسد بخشی از یک روند سازمان‌یافته و هدفمند است که اعمال دوباره قطع‌نامه‌های شورای امنیت، مجدداً آن را فعال کرده است. شدت و هماهنگی این حملات به‌گونه‌ای است که حتی سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه نیز در قامت یکی از چهره‌های بین‌المللی، عملاً به صف منتقدان پیوسته است. چنین وضعیتی نشان می‌دهد نزاع بر سر روایت‌های سیاست خارجی ایران، بار دیگر به صحنه‌ای از تقابل جناحی و رقابت راهبردی بدل شده است؛ تقابلی که فراتر از نقد اشخاص، بازتابی از جدالی عمیق بر سر مسیر آینده سیاست خارجی کشور است.

ادعای لاوروف: اسنپ‌یک ساخته ظریف بود

در همین رابطه، سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه، طی گفت‌وگویی با رسانه‌های عربی مدعی شد «مکانیسم ماشه» با اسنپ‌یک، ایده محمدجواد ظریف، وزیر خارجه وقت ایران، بوده و مسکو از این تصمیم «شگفت‌زده» شده است. به گفته لاوروف، در مراحل پایانی مذاکرات برجام، ظریف و جان کری، وزیر خارجه وقت آمریکا، مستقیماً درباره این بند به توافق رسیدند و سایر اعضای گروه ۵+۱ صرفاً «ناظران» بودند. لاوروف این‌بند را یک «دام حقوقی» خواند که به هر عضو توافق اجازه می‌دهد به صورت یک‌جانبه بازگشت تحریم‌های سازمان ملل را فعال کند و هیچ سازوکار جلوگیری‌کننده‌ای نیز برای آن وجود ندارد. او گفت روسیه تصور می‌کرد ایران هرگز توافق را نقض نخواهد کرد و به همین دلیل، مخالفتی با این فرمول نکرد. با این حال، به‌زعم لاوروف، آمریکا با سوءاستفاده از همین سازوکار، پس از خروج از برجام، نمایش «غیرقانونی و رسوایی‌بار» بازگشت تحریم‌ها در شورای امنیت سازمان ملل اجرا کرد. لاوروف تأکید کرد که تصمیم درباره برجام در نهایت میان ایران و آمریکا گرفته شد و روسیه همواره از توافق و قطع‌نامه ۲۲۳۱ حمایت کرده است. او در واکنش به سخنان ظریف در‌باره نقش تضعیف‌کننده روسیه در روند احیای برجام، گفت مسکو هیچ‌گاه از موضع خود در حمایت از توافق هسته‌ای عقب‌نشینی نکرده است.

ظریف: لاوروف خلاف واقع می‌گوید

محمدجواد ظریف، وزیر خارجه پیشین ایران، در واکنش به ادعای سرگئی لاوروف مبنی بر اینکه «مکانیسم اسنپ‌یک» ابتکار او بوده است، تأکید کرد که وزیر خارجه روسیه «خلاف واقع می‌گوید». ظریف گفت این مکانیسم نه در روزهای پایانی مذاکرات شکل گرفت و نه حاصل گفت‌وگو میان او و جان کری بود، بلکه پیشنهاد اولیه‌ای از سوی روسیه و فرانسه بود. حفظ قطع‌نامه‌های گذشته شورای امنیت بود که ایران با تلاش فراوان آن را کنار گذاشت. او توضیح داد که لاوروف در جریان مذاکرات پیشنهادی داده بود مبنی بر تعلیق شش‌ماهه قطع‌نامه‌ها که به گفته ظریف، اگر پذیرفته می‌شد، برجام سال‌ها پیش پایان می‌یافت. کری نیز همان زمان اعتراف کرده بود این طرح از سوی «رفیق روسی» ظریف ارائه شده است. ظریف افزود: در سال ۱۳۹۹ وقتی آمریکا خواست اسنپ‌یک را اجرا کند، ۱۳ عضو شورای امنیت مخالفت کردند و روسیه و چین نیز در کنار ایران ایستادند؛ برخلاف دوره احمدی‌نژاد که مسکو به تمام قطع‌نامه‌های فصل هفتم رأی مثبت داده بود. او یادآور شد که روسیه در گذشته حتی مانع عضویت ایران در سازمان شانگهای شده بود. ظریف با اشاره به کتاب خود «راز سربه‌مهر» گفت اسناد نشان می‌دهد لاوروف در مذاکرات اصرار داشت که «حق وتوی روسیه» حفظ شود و همان زمان با تحریم تسلیحاتی ایران مخالفتی نداشت. او افزود: لاوروف مأمور بود از نهایی‌شدن برجام جلوگیری کند، اما ایران بر مواضع خود ایستاد. وی همچنین انتقاد کرد که روس‌ها بارها اطلاعات ازجمله سفر سرفردار سیدجانی به مسکو و ارسال پهنادهای ایرانی در جنگ اوکراین را علنی کرده‌اند. ظریف در عین حال تأکید کرد که همچنان به روایت راهبردی با روسیه و چین باور دارد. اما افزود: «آنها هرگز برای منافع ایران کاری نمی‌کنند». به گفته او، روسیه دو خط قرمز دارد: ایران نباید روابط عادی با جهان داشته‌باشد و نباید به درگیری مستقیم هم برسد؛ زیرا مسکو از وضعیت تعلیق و تنش کنترل‌شده در ایران سود می‌برد.

وندی شرمن: اسنپ‌یک ایده لاوروف بود

در مقابل، روایت وندی شرمن، معاون پیشین وزیر خارجه آمریکا و مذاکره‌کننده ارشد برجام، کاملاً متفاوت است. آن‌طور که انتخاب نوشته، شرمن در کتاب خاطرات خود با عنوان «ترس یعنی شکست» عنوان کرده که



گزارش «شرق» از انتقادات روزهای اخیر به روحانی و ظریف

فرصت تسویه حساب

پرونده تلخ روی میز

اینها علاوه بر آن است که تنش میان علی شمخانی و حسن روحانی بار دیگر به جریان اخبار بازگشته است؛ این بار نه بر سر برجام یا مناقشات سیاست خارجی، بلکه درباره فاجعه‌ای که هنوز وجدان عمومی را می‌سوزاند که آن هم «سقوط هواپیمای اوکراینی» است. سخنان تازه شمخانی که مدعی شده بلافاصله پس از حادثه روحانی را در جریان قرار داده و ضرورتی برای اطلاع‌رسانی به محمدجواد ظریف نمی‌دیده، بار دیگر بحث‌ها درباره زمان آگاهی مقامات از واقعیت ماجرا را زنده کرده است.

در مقابل، رسانه نزدیک به دولت پیشین با انتشار ویدئویی از محمود واعظی، روایت دیگری ارائه داد؛ او گفت تا ظهر پنجشنبه هیچ اطلاع روشنی وجود نداشت و روحانی همان شب در جلسه شورای عالی امنیت ملی بر لزوم اعلام حقیقت در صورت قطعیت تأکید کرده بود. سه روز بعد، ستاد کل نیروهای مسلح رسماً علت حادثه را اعلام کرد. تحلیلگران معتقدند طرح دوباره این موضوع از سوی شمخانی، پس از گذشت شش سال، بیشتر رنگی از تسویه‌حساب سیاسی دارد تا جست‌وجوی حقیقت.

روحانی و ظریف در کانون: مقصرنمایی علیه دولت پیشین

به نظر می‌رسد تحرکات روزهای اخیر علیه حسن روحانی و محمدجواد ظریف، به‌ویژه پس از بازگشت موضوع قطع‌نامه‌های شورای امنیت به جریان اخبار و تحلیل‌های سیاسی و رسانه‌ای، بیش از آنکه ناشی از نقد واقعی تصمیمات یا عملکرد آنان باشد، بخشی از یک استراتژی سازمان‌یافته برای مقصرنمایی و کاهش وزن این‌دو چهره در افکار عمومی و عرصه سیاست کشور است. به عبارت دیگر، تلاش می‌شود تا روحانی و ظریف به‌عنوان «بنیان وضع موجود» در ذهن جامعه جا بیفتند، صرف‌نظر از آنکه بسیاری از تصمیمات اتخاذشده محصول تعاملات پیچیده داخلی و فشارهای بین‌المللی بوده است.

حادثه تلخ سقوط هواپیمای اوکراینی، پرونده برجام و اختلافات درباره مکانیسم ماشه، همه در کنار هم تجربه‌هایی شده‌اند تا این دو شخصیت سیاسی به سیل نقد و حمله بدل شوند. هر یک از این رویدادها به‌تنهایی ممکن است قابل تحلیل و بررسی باشد، اما کنار هم قرارگرفتن آنها در فضای رسانه‌ای و سیاسی، الگویی هدفمند از «سیاسی‌سازی بحران» را نشان می‌دهد. از یک سو، جامعه با بازخوانی حادثه هواپیمای اوکراینی درگیر احساسات و خاطرات تلخ می‌شود و از سوی دیگر، پرونده برجام و موضوع ماشه، اتهام کم‌کاری یا قصور در دیپلماسی را به ذهن متبادر می‌کند؛ این ترکیب موجب شکل‌گیری تصویری یکپارچه از ناکارآمدی و مسئولیت فردی می‌شود که روحانی و ظریف را در جایگاه مقصر قرار می‌دهد.

این استراتژی، هم‌زمان با تحرکات رسانه‌ای، به هدف کاهش اثرگذاری سیاسی و اجتماعی این دو چهره طراحی شده است. درواقع، هدف اصلی صرفاً نقد عملکرد یا بحث‌های حقوقی نیست، بلکه کاهش وزن سیاسی روحانی و ظریف در معادلات آینده و محدودسازی نقش آنها در تصمیم‌گیری‌های راهبردی کشور است. این مسئله نشان می‌دهد که سیاست داخلی ایران، علاوه بر مواجهه با چالش‌های بین‌المللی، با فرایندهایی از «سیاسی‌سازی شخصیت‌ها» نیز روبه‌رو است که هدف آن تغییر توازن قدرت در عرصه سیاست و مدیریت افکار عمومی است.

در نهایت، باید اذعان کرد که این نوع فشارهای ترکیبی، اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت باعث تمرکز روی روحانی و ظریف شود، اما در بلندمدت به افزایش شکاف میان واقعیت‌ها و تصویم‌گیری و روایت‌های رسانه‌ای منجر می‌شود و مخاطبان را با تصویری تحریف‌شده از سیاست خارجی و داخلی ایران مواجه می‌کند. تحلیل دقیق این روند، نشان می‌دهد انتخاب سوزه‌های مشخص برای مقصرنمایی، ابزاری مؤثر در بازی سیاسی و رسانه‌ای است و روحانی و ظریف، فارغ از سهم واقعی‌شان در هر موضوع، اکنون محور این بازی شده‌اند.

روزنامه مذکور اذعان می‌کند که در صورت امکان دستیابی به توافقی عادلانه که فشار تحریمی را بکاهد، بی‌درنگ باید وارد مذاکره شد؛ اما هشدار می‌دهد که با آمریکای مهاجم و شروط تحقیرآمیز آن، مذاکره نه ممکن است و نه عقلانی. در پایان، توصیه‌ای میان‌سازانه خطاب به ظریف مطرح می‌شود؛ بازنگری در چارچوب تحلیلی، قبول واقعیت‌های نوین جهانی و راهی‌ای از «تحر مدرن» برای امکان تصمیم‌گیری اقالانه و کارآمد.

یادداشت

لزوم استقبال از موافقت‌نامه‌دفاعی عربستان و پاکستان



سیدمحمد حسینی

سفیر سابق ایران در عربستان سعودی

نظر به شرایط بین‌المللی، شرایط منطقه‌ای، بحران‌های پرفشار و فزاینده امنیتی و اقتصادی پیش‌روی ایران و نیز از زاویه سیاست خارجی عربستان، مزایای موافقت‌نامه دفاعی پاکستان و عربستان از مضرات آن برای جمهوری اسلامی ایران بسیار بیشتر است. چرا؟

۱. از منظر سیاست بین‌الملل، ثبات در خاورمیانه خواست مستقیم آمریکا، روسیه، اروپا و چین است. تمام استراتژیست‌های آمریکایی در سال‌های اخیر تأکید کرده‌اند که آمریکا باید تمرکز کند؛ پس باید اشتغال خود را و اروپا متمرکز کند؛ چین باید اشتغال خود را در خاورمیانه کند کم و با خاورمیانه‌ای بآبایت، وارد رقابت با چین و روسیه شود. بر این اساس، موافقت‌نامه دفاعی پاکستان و عربستان به واسطه ثباتی که به همراه دارد، مورد حمایت قدرت‌های بزرگ غرب و شرق خواهد بود.

۲. از منظر سیاست منطقه‌ای نیز این موافقت‌نامه ثبات‌زاست. تقریباً اجماع نخیکی وجود دارد که توازن قدرت در خاورمیانه پس از هتقم اکتر به سود اسرائیل و علیه ایران، عربستان و ترکیه تغییر کرده است. اکنون ترکیه و عربستان نیز از مسلط‌طلبی اسرائیل دچار هراس شده‌اند. بر این اساس، موافقت‌نامه دفاعی پاکستان و عربستان می‌تواند تا حدودی توازن قدرت را علیه اسرائیل تغییر دهد.

۳. هرچه پیمان و موافقت‌نامه‌های دفاعی-امنیتی میان کشورهای منطقه افزایش یابد، وابستگی امنیتی این کشورها به قدرت‌های مداخله‌گر کاهش می‌یابد و نظم منطقه‌گرایی درون‌زاد تقویت می‌شود. این موافقت‌نامه می‌تواند هسته مرکزی برای تشکیل ناتوی خاورمیانه در آینده باشد.

۴. فعال‌شدن پاکستان در خاورمیانه، امرهای کشگری این کشور در برابر هند را افزایش می‌دهد و براین اساس این موافقت‌نامه می‌تواند برای معادلات امنیتی شبه‌قاره نیز ثبات‌افزین باشد؛ زیرا هرچه بازنگران بیشتری در تعارض هند و پاکستان فعال شوند، امکان تقابل نظامی آنها محدودتر می‌شود.

۵. از منظر سیاست خارجی عربستان نیز این موافقت‌نامه در راستای تنوع‌بخشی سیاست خارجی عربستان و نگاه به شرق و کاهش وابستگی امنیتی ریاض به آمریکاست

عربستان در این موافقت‌نامه الگوی «تبادل امنیت با اقتصاد» را دنبال می‌کند. به پاکستان امتیاز اقتصادی، کمک‌های اقتصادی و پذیرش نیروهای بیشتر از پاکستان را می‌دهد و در ازای آن چتر هسته‌ای پاکستان را بر سر خود می‌گستراند.

۶. عربستان با این پیمان می‌خواهد قدرت چانه‌زنی خود را در برابر اسرائیل (در صورت پیوستن احتمالی به توافق ابراهیم)، ترکیه و ایران افزایش دهد.

۷. حمله اسرائیل به قطر و بی‌عملی آمریکا یکی از بزرگ‌ترین مواهب برای جمهوری اسلامی ایران بود و جایگاه ایران را نزد کشورهای عربی تقویت و جایگاه آمریکا امتیاز اقتصادی، کمک‌های اقتصادی و پذیرش نیروهای بیشتر از پاکستان را می‌دهد و در ازای آن چتر هسته‌ای پاکستان را بر سر خود می‌گستراند.

۸. پس از عربستان احتمالاً سایر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نیز از این الگو استفاده می‌کنند؛ حال ممکن است به این موافقت‌نامه پیوندند یا اینکه وارد پیمان امنیتی با کشور دیگر شوند (برای مثال احتمال انعقاد موافقت‌نامه مشابهی میان امارات با هند را نمی‌توان از نظر دور داشت و ایضا سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس).

۹. شاید تنها خطری که از این موافقت‌نامه متوجه ایران شود، در زمان جنگ احتمالی آینده اسرائیل و آمریکا با ایران است که در آن شرایط، ایران برای حمله به بیکاره‌های آمریکایی در عربستان با مشکلاتی مواجه خواهد شد.

۱۰. ایران نباید از ناحیه پاکستان احساس خطر کند. الزامات ژئوپلیتیک، جبریت‌های جغرافیایی پیوند استراتژیک ایران و پاکستان، جمعیت شیعه و سنی دوستدار جمهوری اسلامی ایران و پیوندهای فرهنگی ممواره در جهت بهبود روابط ایران و پاکستان عمل کرده‌اند و در آینده نیز عمل خواهند کرد. نتیجه اینکه ایران باید از این موافقت‌نامه ابتدا به‌طور اعلامی استقبال کند و تکثیر این نوع از پیمان‌های امنیتی را در جهت ثبات منطقه و تقویت منطقه‌گرایی درون‌زاد بداند و در صورتی که امکانی برای کشورمان در پیوستن به چنین پیمانی فراهم شد، موافقت خود را اعلام کند؛